

سه شنبه ۱۴۰۵/۲/۲۲ - ۲۴ ذی‌قعدة ۱۴۴۷ - ۱۲ مه ۲۰۲۶ - درس ۱۴۲ فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه الاداره از فقه معاصر - نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابطه رابعه - معامله الدنيا - اصول سبعة - اصل دوم - الايثار بالموجود - فقه اللغة

❖ مسئله‌ی ۱۴۲: مدیران در اعطاء هدایا، مزایا، مناصب، احترامات و تکریمات باید فضیلت‌محور باشند و کارکنانی که فضیلت بیشتری دارند بر هم‌کاران مقدم و راجح بدانند و کارکنان نیز مستحب است که در اخذ عطایا و مناصب هم‌کاران را بر خود مقدم بدانند

دومین اصل از اصول هفت‌گانه‌ی تعامل کارکنان با دنیای سازمانی «الایثار بالموجود» است، به دلیل ذیل:
أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّونِ وَ الْإِثَارُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَقْشُودِ وَ بُغْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ أَفَاتِحِهَا وَ رَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرَّئَاسَةِ.^۱

مترجم: «الایثار بالموجود» یعنی در حدود امکانات خود بخشش و گذشت داشتن و در موارد خیر مصرف کردن.^۲ برای درک بهتر مفهوم ایثار از تفقه در لغت آغاز می‌کنیم:

فقه اللغة

و أمّا حقيقة الإيثار: فهي إثبات الأثر و تقديم ما له الفضل و انتخابه و اختياره على غيره. و التأثير: إيجاد الأثر و إحداثه.^۳

حقیقت ایثار اثبات اثر است؛ یعنی اثبات ما یدل علی وجود الشیء و اثبات چیزی که دال بر وجود مؤثر است. از اثر پی به مؤثر می‌برند، کما این که از بهره پی به بعیر می‌برند و از نظم جهان پی به ناظم و صانع می‌برند. خدا ایثار دارد، یعنی اثبات اثر دارد، اثبات نظم دارد و ما با دیدن اثر آن را ایثار خدا می‌دانیم، همان اثرگذاری. لذا به مکارم و مفاخر یک جامعه مآثر می‌گویند،^۴ یعنی آثاری که همه به آن فخر می‌کنند مثل آثار باستانی. تأثیر هم هم‌معنای ایثار است، با این فرق که ایثار، اثر به جای گذاری از سوی مؤثر و تأثیر، اثرگذاری در غیر است.^۵

معنای دوم ایثار که مناسب مقام است: «تقديم ما له الفضل و انتخابه و اختياره على غيره» است؛ یعنی مقدم داشتن فاضل و انتخاب و اختیار اوست بر غیر او، یعنی مفضول. برتری دادن و ترجیح و تفضیل کسی بر کسی است، کقوله تعالی: «تالله لقد آثرك الله علينا»، خدا تو را بر ما ترجیح داد، یعنی یوسف عليه السلام را بر برادرانش ترجیح و تفضیل داد. این معنا در مدیریت منابع انسانی شایع است، یعنی در گزینش اصلح و افضل بر صالح و فاضل یا مفضول.^۶

^۱ الباب الأول في العبودية: وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةُ الْخَوْفُ وَ الْجَهْدُ وَ حَمْلُ الْأَذَى وَ الرِّيَاضَةُ وَ طَلَبُ الصِّدْقِ وَ الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ حُبُوبِهَا وَ رِبْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْحِلْمُ وَ الْعَفْوُ وَ التَّوَاضُّعُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّفَقَةُ وَ التُّصَحُّعُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنْصَافُ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّونِ وَ الْإِثَارُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَقْشُودِ وَ بُغْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ أَفَاتِحِهَا وَ رَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرَّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهُوَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا. (امام جعفر بن محمد، مصباح الشریعه، ص. ۶)

^۲ همان، ترجمه مصطفوی، ص. ۴۵۸.

^۳ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج. ۱، ص. ۳۲.

^۴ مفر-أثر الشيء حصول ما يدل على وجوده، و الجمع الآثار-فَقَيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ يُرْسِلُنَا...، فَانْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ. و الْمَأْثَرُ: ما يروى من مكارم الإنسان، و يستعار الأثر للفضل و الإيثار للفضل (و هو اختيار الفضل)، و منه أثرته، وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَالَهُ لَقَدْ أَثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا. (همان، ج. ۱، ص. ۳۱)

^۵ و الفرق بين الإيثار و التأثير: هو الفرق بين صيغة الإفعال و التفعيل، فَإِنَّ الْإِفْعَالَ لقيام الفعل و نسبته أولاً إلى الفاعل و الثاني للوقوع أولاً و نسبته إلى المفعول به. (همان، ج. ۱، ص. ۳۲)

^۶ الإيثار - [أثر]: إيثار، تفضيل، محبت و گرامی داشتن دیگری. (بستانی، فرمینگ ابجدی، ص. ۱۶۸)

معنای سوم ایثار یعنی دارای اثره بودن (بر وزن حسره)، یعنی دارای امتیاز و جایگاه بودن نزد دیگران به‌ویژه قدرت‌مندان و امراء.^۷ لذا امیر او را در جمع در صدر می‌نشاند و قدر می‌داند. در این‌جا امیر او را ایثار می‌کند بر دیگران به علت اثره که در اوست، یعنی شأن و شخصیتی که در خود دارد و خدا به او داده است، مثل شأن علماء نزد ملوک. در مدیریت منابع انسانی ایثار به معنای گزینش اصلح و افضل است و در مدیریت رفتار سازمانی تکریم و احترام بیشتر به یکی از کارکنان نسبت به دیگری است، به علت فضیلت و رجحانی که در او هست. البته گاهی هم به کسی که استحقاقی ندارد، سهم بیش‌تری تخصیص می‌دهند. نسبت به دیگران این را هم ایثار می‌گویند.^۸ این از اختیارات مدیران است که ممکن است اثر خوبی نداشته باشد در کارکنان. بعضی ایثار را با اختیار فرق می‌گذارند.^۹ ایثار را در امور مادی جاری می‌دانند، مثل ایثار و مقدم داشتن کسی بر کسی در دادن این دینار و این لباس. ولی اختیار را در دادن مقام و منصب می‌دانند. ظاهراً اگر ایثار به تنهایی بیاید اعم از هر دو است، یعنی مقدم کردن در عطایای مادی و دادن منصب، لقوله تعالی: لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا. ولی انا اخترتك فقط دال بر اعطاء منصب است.

جمع بندی فقه اللغة: ایثار مطلق تقدیم کارمندان و شهروندان و فرزندان بر یک‌دیگر است. در مدیریت منابع انسانی یعنی مقدم کردن در منصب و در مدیریت رفتار سازمانی، احترام بیش‌تر است. و نیز در حقوق و دستمزد و پاداش، بعضی را بر بعضی مقدم کردن است و در جمیع حالات اگر ناشی یک فضیلت و اثره (بر وزن حسرت) باشد، اثرات انگیزشی بیش‌تری در کارکنان دارد و اگر تخصیص بدون استحقاق باشد، باز هم ایثار است. اما آن‌چه که امام صادق علیه السلام به عنوان اصل دوم فرموده‌اند یعنی «الایثار بالموجود»، دو فاعل دارد: یکی فردی از افراد کارکنان است که هم‌کار خود را در بهره‌مندی از مزایا بر خود ترجیح می‌دهد و گاهی ناظر به مدیران است که باید منافع کارکنان را بر منافع خود ترجیح داده و موجودی را به آن‌ها اختصاص دهند. و هر ترجیح بهتر است که بر اساس یک فضیلت در راجح باشد. فتحصل که مدیران در اعطاء هدایا، مزایا، مناصب، احترامات و تکریمات باید فضیلت‌محور باشند و کارکنانی که فضیلت بیش‌تری دارند بر هم‌کاران مقدم و راجح بدانند و کارکنان نیز مستحب است که در اخذ عطایا و مناصب هم‌کاران را بر خود مقدم بدانند.^{۱۰}

^۷ و له عندي أثرة، كأثرة. و هو ذو أثرة عند الأمير، إذا كان يؤثّره و يُقدِّمُهُ، اسمٌ من الإيثَار. (مدنی، الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول، ج. ۷، ص. ۱۲)

^۸ أراد يصير الفیء عطاءً من غیر استحقاق علی الإیثار و التخصیص. (ابن منظور، لسان العرب، ج. ۱۱، ص. ۶۵۰) أي الخیرة و الإیثار. (زبیدی، تاج العروس، ج. ۶، ص. ۹) أراد يصيرُ الفیء عطاءً من غیر استحقاقٍ علی الإیثار و التخصیص، أو عامٌّ فی جمیع أنواع العطاء. (همان، ج. ۱۵، ص. ۷۲۰) أراد يصيرُ الفیء عطاءً من غیر استحقاق، علی الإیثار و التخصیص. و قد تکرر فی الحدیث. (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج. ۵، ص. ۲۹)

^۹ أن الإیثار علی ما قیل هو الاختیار المقدم و الشاهد قوله تعالی (قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا) أي قدم اختیارك علینا و ذلك أهم کلهم کانوا مختارین عند الله تعالی لأنهم کانوا أنبیاء، و اتسع فی الاختیار فقیل لافعال الجوارح اختیاریه تفرقة بین حركة البطش و حركة المحس و حركة المرتعش و تقول إخترت المروی علی الکتان أي اخترت لبس هذا علی لبس هذا و قال تعالی (وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلٰی عِلْمٍ عَلٰی الْعَالَمِیْنَ) أي اخترنا ارسالهم، و تقول فی الفاعل مختار لكذا و فی المفعول مختار من كذا، و عندنا أن قوله تعالی (آثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا) معنا أنه فضلك الله علینا، و أنت من أهل الأثرة عندي أي من أفضله علی غیره بتأثیر الخیر و النفع عنده، و اخترتك أخذتک للخیر الذي فیک. (عسکری، الفروق فی اللغة، ص. ۱۱۸) فی نفسك و لهذا یقال آثرتک بهذا الثوب و هذا الدینار و لا یقال اخترتک به و انما یقال اخترتک لهذا الأمر فالفرق بین الإیثار و الاختیار بین من هذا الوجه. (همان، ص. ۱۱۹)

^{۱۰} درس ۱۴۲ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۲۴ شهر ذی القعدة ۱۴۴۷.